

رابطه سبک‌های عشق‌ورزی و رضایتمندی زناشویی

Archive of SID

لیلی حافظ‌الکتب**

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، با عنوان رابطه سبک‌های عشق‌ورزی و رضایتمندی زناشویی، بررسی تفاوت رضایتمندی زناشویی براساس سبک‌های عشق‌ورزی بود. به همین منظور، تعداد ۲۵۰ نفر از دانشجویان به روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب شدند. از آزمودنی‌ها خواسته شد به پرسش‌نامه‌های رضایتمندی زناشویی انریچ (۱۹۸۸) و مقیاس عشق استرنبرگ (۱۹۸۶) پاسخ دهند. داده‌های پژوهش با استفاده از روش‌های آمار توصیفی (شاخص‌های مرکزی و پراکندگی) و آمار استنباطی (روش همبستگی پیرسون، روش رگرسیون چند متغیری و آزمون کروسکال والیس) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد بین مؤلفه (هوس) و رضایتمندی زناشویی در زنان و نیز بین مؤلفه‌های (هوس و صمیمیت) و رضایتمندی زناشویی در مردان رابطه وجود دارد. به علاوه، سبک‌های عشق‌ورزی بر رضایتمندی زناشویی تاثیر دارند و میانگین رضایتمندی افراد با سبک‌های عشق (رومانتیک، شیفتگی، کامل، احمقانه) بیشتر از افراد با سبک‌های عشق (پوچ، همدلانه، دوست داشتن) است.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های عشق‌ورزی، رضایتمندی زناشویی و رگرسیون.

www.SID.ir

ازدواج برای انسانها یک نیاز طبیعی است که از آفرینش ویژه آنها سرچشمه می‌گیرد و یک خواسته طبیعی است که همه جوامع بشری و ادیان آسمانی بر آن صحنه نهاده‌اند و همانند آینه ای عناصر اصلی جامعه را درخود دارد و معیار شناخت و سنجش آسیب‌های اجتماعی است. هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعای سلامت کند اگر از خانواده‌هایی سالم برخوردار نباشد و درحقیقت حفظ و تداوم این نهاد مقدس درگرو تداوم و سلامت روابط زن و شوهر است. (افروز، ۱۳۷۸).

در هر ازدواج، عوامل بسیاری درارتباط است که موجب رضایت و عدم رضایت از زندگی زناشویی می‌شوند از قبیل، ثبات، انتظارات اجتماعی، رشد شخصیت، تشابه تحصیلی، طرز فکر مربوط به امورجنسی، تفاوت سنی، تعداد فرزندان، طول دوره ازدواج، مسائل مالی، صمیمیت و... امروزه پژوهشگران و اندیشمندان سعی دارند بتوانند مفاهیمی چون عشق، تعلق، دلبستگی و تفاهم را به عنوان عوامل مؤثر دررشد و تداوم روابط خانوادگی و زناشویی مورد توجه قرار دهند (پاتو، ۱۳۸۱).

عشق‌های قبل از ازدواج اگر توأم با شناخت و عشق واقعی بوده باشد برای زندگی بسیارخوب است ولی درغیر این صورت، همچون طوفان مخرب زندگی است. پس از ازدواج علیرغم آن که ازدواج به چه شکلی صورت گرفته باشد (و نوع آشنایی به چه شیوه‌ای بوده) عشق لازمه و اساس زندگی است (شعبان‌زاده، ۱۳۸۶).

به گفته ریزاوی^۱ (۱۹۹۶) بیشترین علت هم برای ازدواج و هم برای طلاق عشق یا فقدان آن است. به گفته او درک پدیده عشق مهم است و پژوهش دراین حیطه ضروری به نظر می‌رسد. زیرا می‌تواند موجب روشن‌سازی مسائل زیادی پیرامون مسائل خانوادگی شود (شعبان‌زاده، ۱۳۸۶).

سبک‌های نگرش و نوع ابراز عشق درافراد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به خصوص این که این سبک‌های متفاوت درعشق ازنگرش‌های متفاوت دراین زمینه ناشی می‌شود و می‌تواند درزندگی زناشویی افراد نقش مؤثری بازی کند و بسیاری از پژوهشگران نیز براین نظر توافق دارند که زنان و مردان دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به مسأله عشق دارند (آیزنک^۲، ۱۳۷۵).

براساس دیدگاه استرنبرگ^۳ (۱۹۹۸) افراد به هفت شکل عشق را بروز می‌دهند. بدین ترتیب وی سه مؤلفه را برای عشق درنظر می‌گیرد: صمیمیت^۴، هوس^۵ و تعهد^۶. وی معتقد است ۷ سبک عشق وجود دارد:

- ۱- عشقی که فقط درآن مؤلفه صمیمیت وجود دارد، بدون وجود هوس و تعهد (دوست داشتن)^۷.
- ۲- عشقی که تنها مؤلفه هوس را دارا است (شیفتگی)^۸.

1. Rizavy
2. Eysenck
3. Sternberg
4. intimacy
5. Passion
6. commitment
7. Likin
8. infatualuation love

۳- تعهد به تنهایی بدون هوس و صمیمیت (عشق پوچ^۱).

۴- صمیمیت و هوس بدون هیچگونه تعهد (عشق رومانیک^۲).

۵- صمیمیت و تعهد بدون هوس (عشق همدلانه^۳).

۶- هوس و تعهد بدون صمیمیت (عشق احمقانه^۴).

۷- عشقی که هر سه مؤلفه را با هم دارد (عشق آرمانی^۵).

بین نظریه «لی»^۶ و «استرنبرگ» شباهت‌هایی وجود دارد. به عنوان مثال، عشق اروس در نظریه لی همانند عشق رمانتیک در نظریه استرنبرگ است. همچنین، عشق مانیا همانند شیفتگی است که توسط استرنبرگ مطرح شد، از جهتی عشق استورگ در نظریه لی شبیه به عشق همدلانه و دوست داشتن در نظریه استرنبرگ بوده و عشق پراگما معادل با عشق پوچ مطرح شده است. (دویر^۷، ۲۰۰۰، براون و آماتیا^۸، ۲۰۰۰).

پژوهشگران به دنبال پاسخ به این سؤال هستند که سبک‌های مختلف عشق‌ورزی چه تاثیری بر روابط نزدیک و صمیمی افراد از جمله (روابط زناشویی، روابط بین خانواده و حتی روابط عشقی قبل از ازدواج و...) می‌گذارند. حافظی^۹ طبقه‌بندی و فیروزآبادی و حق‌شناس (۱۳۸۴) در بررسی که روی ۱۲۳ زوج انجام داده‌اند نشان می‌دهند نسخه فارسی پرسش‌نامه عشق استرنبرگ از روایی و اعتبار کافی برخوردار بود و سه مؤلفه آن (صمیمیت، هوس و تعهد) با نمرات رضایت‌مندی زناشویی همبستگی دارد.

در مطالعاتی که توسط پلا^۹ (۲۰۰۰) صورت گرفت، ارتباط متغیرهای روانشناختی و بین فردی مرتبط با رفتار جنسی، نگرش‌ها و عشق بررسی شد. همبستگی و تجزیه و تحلیل رگرسیون مشخص کرد تعهد و صمیمیت و میزان و نوع ارتباط‌های جنسی، همه، عوامل مهمی در ارتباط با عشق و رضایت‌مندی زناشویی هم برای زنان و هم برای مردان به شمار می‌روند (پاتو، ۱۳۸۱).

مارلین جی، مونت گومری^{۱۰} و گوئن تی، سورل^{۱۱} (۱۹۹۷). ویژگیهای ارتباطی و سبک‌های عشق را در چهار گروه متفاوت مورد مطالعه قرار دادند: ۱- افراد جوان دانشگاهی ازدواج نکرده ۲- بزرگسالان ازدواج کرده زیر ۳۰ سال بدون بچه ۳- بزرگسالان ازدواج کرده (۲۴ تا ۵۰ سال) با کودکان در خانه و ۴- بزرگسالان ازدواج کرده (۵۰ تا ۷۰ سال) بدون بچه. بیشترین تفاوت‌ها بین گروه‌ها، نه بر مبنای سن بلکه بر پایه بود یا نبود پیوند زناشویی به دست آمد. آزمودنی‌های جوان و ازدواج نکرده در مقایسه با سه گروه دیگر عشق نوع دوستانه کمتر و عشق تفتنی و شیدایی بیشتر نشان دادند. گروه‌های مورد پژوهش از لحاظ عشق شهوانی و عشق دوستانه هیچ تفاوتی با هم نداشتند. پژوهش‌ها وجود عشق در روابط زناشویی را یک عامل پیش‌بینی کننده قوی خوشحالی، هیجان‌ات مثبت و

1. empty love
2. romantic love
3. companionate love
4. fatuous love
5. consummate love
6. Lee
7. Dwyer
8. Brown & Amatea
9. Pella
10. Marlyn, J, Montgomery
11. Guen, T, Sorell

رضایت‌مندی معرفی می‌کنند (داینر و لوکاس^۱، ۲۰۰۰؛ کیم و هتفیلد^۲، ۲۰۰۴). با این حال وجود حالاتی چون شیفتگی و وسواس (مانیا) موجب ناسازگاری، کاهش توان زوجین در انجام وظایف فرزندپروری و شغلی، هم‌نوابی با دیگران و... می‌گردد.

Archive of SID

رضایت‌مندی زناشویی، بیش از تمام رضایت‌مندی‌ها، خوشحالی کلی (گلن و ویور^۳، ۱۹۸۱)؛ و سلامت روانی و سلامت جسمی را پیش‌بینی می‌کند (درایگوتاس^۴، راستبالت^۵، ۱۹۹۹)؛ و در برابر رویدادهای استرس‌زایی زندگی مثل یک سپر عمل می‌نماید (کوآن^۶، شافر و داویدسون^۷، ۲۰۰۶). از طرف دیگر رضایت‌مندی پایین پیش‌بینی‌کننده افسردگی (بیچ و آری^۸، ۱۹۹۳) و گسست پیوند زناشویی است (هاستون^۹ و دیگران، ۲۰۰۱).

در مطالعه‌ای بر روی زوج‌های عادی و مشکل‌دار با روابط زناشویی درازمدت (۱۹ سال = M) عشق (پیوند عاطفی عمیق، توجه و مراقبت دوطرفه، اعتماد و نزدیکی متقابل) در میان ۱۹ متغیر دیگر، بالاترین سهم را به دست آورد (رایل - ایمد^{۱۰}، توماس و ویلی^{۱۱}، ۲۰۰۳). سایر مطالعات، پیوندهای عمیق و معناداری بین عشق رومانسیک و خوشحالی عمومی (آرون و هنکمیر^{۱۲}، ۱۹۹۵)، نشانه‌های مرضی کمتر و رضایت‌مندی زناشویی بیشتر و سلامت جسمی بهتر را نشان داده‌اند (تروپمن^{۱۳}، اکلز^{۱۴} و هتفیلد، ۱۹۸۲).

توجه به سلامت خانواده و استواری این نهاد به عنوان اساس تشکیل جامعه و نقش سازنده‌ای که در پرورش فرزندان دارد، با توجه به نرخ بالای طلاق و لطمات آن بر اعضای خانواده، اهمیتی دوچندان می‌یابد (فورسنبرگ^{۱۵}، ۱۹۹۰، کیتسون و مورگان^{۱۶}، ۱۹۹۰).

کیتسون و مورگان (۱۹۹۰) طلاق را «استرس‌زاترین رویدادی» می‌دانند که یک فرد می‌تواند تجربه کند. برای بزرگسالان تبعات طلاق شامل ابتلاء به بیماری، نرخ بالای مرگ و میر (دورتی^{۱۷}، سوو نیدل^{۱۸}، ۱۹۸۹)، مشکلات اقتصادی مختلف، کاهش تحرک به ویژه در زنان (کورکوران^{۱۹}، دانکن و هیل^{۲۰}، ۱۹۸۸؛ دانکن و هافمن^{۲۱}، ۱۹۸۵) و محدود شدن روابط اجتماعی است و کودکان طلاق نیز با اختلالات در فرایند اجتماعی شدن (دورنباش^{۲۲}، ۱۹۸۹) و

1. Diener & Lucas
2. Kim & Hatfield
3. Glenn & Weaver
4. Drigotas
5. Rusbult
6. Coan
7. Schaefer & Davidson
8. Beach & o'leary
9. Huston
10. Riechl- Emde
11. Thomas & Willi
12. Aron & Henkmeyer
13. Traupman
14. Eckels
15. Furstenberg
16. Kitson & morgan
17. Doherty
18. Su & Needle
19. corcoran
20. Duncan & Hill
21. Hoffinan
22. Dornbusch

از دست دادن تعامل با پدرمواجه می‌شوند. به علاوه کودکان با علائمی مانند اضطراب، برون‌سازی هیجانی، افست تحصیلی و کاهش عملکرد هیجانی به مقوله طلاق واکنش نشان می‌دهند (هترنگتون^۱، ۱۹۸۷).

بسیاری از روانشناسان رضایت‌مندی زناشویی را به عنوان یک مسیر مشترک و پایدار به *Attachment* می‌دانند. عوامل بسیاری بر رضایت‌مندی زناشویی اثر می‌گذارد که شناسایی این عوامل گام مهمی در جهت پیشگیری از پدیده طلاق و ارتقاء کیفیت روابط است. بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی عشق به عنوان هسته روابط نزدیک و این که کدام نوع عشق به سطوح بالای رضایت‌مندی ارتباطی مربوط است، کوششی است در راستای هدف فوق.

روش

از آنجایی که در پژوهش حاضر فقط به شناسایی ارتباط بین سبک‌های عشق‌ورزی و رضایت‌مندی زناشویی تاکید شده است، دستکاری متغیرهای پژوهش صورت نگرفته و براساس مفروضات طرح توصیفی از روش اجرای همبستگی استفاده شد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی در نیمسال دوم ۸۸-۸۹ بودند که از این میان با استفاده از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای ابتدا از بین ۱۲ دانشکده تهران مرکز ۵ دانشکده (علوم اجتماعی و ارتباطات، مدیریت، هنر و مهندسی) و از هر دانشکده ۵۰ دانشجوی مشغول به تحصیل به روش تصادفی انتخاب شد. بدین ترتیب حجم کل نمونه پژوهشی را (۱۳۷ زن و ۱۱۳ مرد) ۲۵۰ نفر تشکیل داد. پس از انتخاب نمونه پژوهشی و کسب مجوز از واحد تهران مرکزی به دانشکده‌های انتخاب شده مراجعه کرده و هر دو پرسشنامه در اختیار دانشجویان متأهل قرار داده شد. پرسش‌نامه‌های مورد استفاده در این پژوهش عبارتند از:

۱- پرسشنامه رضایت‌مندی زناشویی: این پرسشنامه از مقیاس سنجش رابطه (RAS)^۲ انریچ در ۱۹۸۸ برای سنجش رضایت‌مندی روابط رومانیتیک ساخته شد و توسط ساندر^۳ و باکر^۴ در ۱۹۹۳ ترجمه گردید. این مقیاس شامل ۱۴ آیتم است که آزمودنی براساس مقیاس لیکرت ۷ درجه‌ای به آن پاسخ می‌دهد. شیوه نمره‌گذاری پرسشنامه به این صورت است که بعد از معکوس کردن سؤالات ۴ و ۷ مجموع نمرات آیتم‌ها با یکدیگر جمع شده، سپس میانگین آنها محاسبه می‌شود. هماهنگی درونی سؤالات، با استفاده از روش آلفای کرانباخ $\alpha = 0/89$ برای زنان و $\alpha = 0/84 =$ برای مردان به دست آمده است (بانز^۵، ۲۰۰۴).

اعتبار رضایت‌مندی زناشویی در پژوهش حاضر ۰/۹۳ به دست آمد.

۲- مقیاس عشق استرنبرگ: این پرسشنامه توسط رابرت استرنبرگ در سال ۱۹۸۶ تهیه شده است. این پرسشنامه دارای ۴۵ سؤال است که سه جزء صمیمیت، هیجان و تعهد دارد. ۱۵ سؤال اول مربوط به صمیمیت، ۱۵ سؤال دوم مربوط به جزء هیجان و ۱۵ سؤال سوم مربوط به جزء تعهد است. در پاسخ به آزمون فرد از یک مقیاس ۹ درجه‌ای به شرح زیر استفاده می‌کند: ۱=اصلاً ۵=بطور متوسط ۹=بطور کامل
وقتی نمره فرد مساوی و کمتر از میانگین شد، نمره ضعیف و وقتی بالاتر از میانگین باشد نمره قوی می‌گیرد. پس

با مشخص شدن این که فرد در هر خرده مقیاس نمره ضعیف یا قوی به دست آورده است، سبک عاشقانه او مشخص می‌شود که ۸ سبک مشخص شده توسط استرنبرگ عبارتند از فقدان عشق، همدلی، شیفتگی، عشق پوچ، عشق رمانتیک، دوست داشتن، احمقانه و عشق آرمانی (استرنبرگ، ۱۹۹۷).

Archive of SID

استرنبرگ (۱۹۹۷) آلفای کرانباخ این آزمون را ۹۰٪ ذکر کرده است. آلفای کرانباخ در این پژوهش ۰/۹۷ به دست آمد. برای به دست آوردن روایی این پرسش‌نامه از روشهای مختلفی استفاده شده است. از جمله این روشها، تحلیل همبستگی متقابل می‌باشد که این همبستگی در درجه‌بندی مبتنی بر خصیصه‌ای در خرده مقیاس‌های صمیمیت و تعهد ۰/۷۳، تعهد و هیجان ۰/۷۳ و هیجان و صمیمیت ۰/۷۱، و در درجه‌بندی مبتنی بر مهم بودن در خرده مقیاسهای صمیمیت و تعهد ۰/۷۳، تعهد و هیجان ۰/۶۸ و هیجان و تعهد ۰/۴۶ به دست آمده و همبستگی در این دو درجه بندی بین ۰/۳۶ تا ۰/۶۰ بود.

به منظور سازماندهی و خلاصه کردن اطلاعات جمع‌آوری شده از روشهای متداول در آمار توصیفی شامل شاخص‌های مرکزی و پراکندگی) و برای تعیین میزان همبستگی بین متغیرهای مورد مطالعه که دارای مقیاس فاصله‌ای بودند، از ضریب همبستگی پیرسون و برای پیش‌بینی متغیر ملاک از تحلیل رگرسیون چندمتغیری استفاده به عمل آمد. به علاوه از آزمون کروسکال والیس برای بررسی معناداری تفاوت میانگین‌های متغیر وابسته (رضایت‌مندی زناشویی) بر اساس متغیر مستقل (سبکهای عشق) استفاده شد.

یافته‌ها

فراوانی و درصد آزمودنی‌ها بر حسب جنس در جدول ۱ ارائه شده است. نتایج نشانگر آن است که فراوانی و درصد زنان کمی بیشتر از فراوان است.

جدول ۱: فراوانی درصد آزمودنی‌ها بر حسب جنس

جنس	فراوانی	درصد
زن	۱۳۷	۵۴/۸
مرد	۱۱۳	۴۵/۲
کل	۲۵۰	۱۰۰/۰

شاخص‌های توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) مربوط به مدت زمان ازدواج آزمودنی‌ها محاسبه شد و نتایج در جدول ۲ ارائه شده است. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد میانگین سن ۵/۳۱ با دامنه سنی ۱-۲۴ سال است.

جدول ۲: شاخص‌های توصیفی مدت زمان ازدواج

میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
۵/۳۱۴۳	۳/۷۴۸۶۶	۱/۰۰	۲۴/۰۰

www.SID.ir

فرضیه اول: بین عشق و رضایت‌مندی زناشویی رابطه وجود دارد.

جدول ۳: شاخص‌های توصیفی نمرات پرسشنامه رضایت زناشویی در زنان و مردان

متغیر	گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
رضایت زناشویی	زن	۱۳۶	۸۱/۵۹۵۶	۱۳/۰۸۹۰۸	۲۶/۰۰	۹۸/۰۰
	مرد	۱۱۳	۸۲/۰۲۶۵	۱۰/۷۲۹۱۸	۳۴/۰۰	۹۸/۰۰
	کل	۲۴۹	۸۱/۷۹۱۲	۱۲/۰۵۳۸۳	۲۶/۰۰	۹۸/۰۰

جدول ۴: شاخص‌های توصیفی نمرات پرسشنامه عشق در زنان و مردان

متغیر	گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
صمیمیت	زن	۱۳۷	۸۷/۴۲۳۴	۲۴/۷۰۷۰۳	۱۵/۰۰	۱۳۴/۰۰
	مرد	۱۱۳	۱۱۰/۹۵۵۷	۱۳/۱۳۲۸۳	۶۷/۰۰	۱۳۲/۰۰
	کل	۲۵۰	۹۸/۰۶۰۰	۲۳/۴۲۴۵۰	۱۵/۰۰	۱۳۴/۰۰
هوس (شور)	زن	۱۳۷	۹۷/۶۱۳۱	۲۶/۳۵۱۷۶	۱۵/۰۰	۱۳۴/۰۰
	مرد	۱۱۳	۸۵/۴۹۵۶	۱۶/۳۴۸۹۴	۴۴/۰۰	۱۳۲/۰۰
	کل	۲۵۰	۹۲/۱۳۶۰	۲۳/۱۵۲۱۴	۱۵/۰۰	۱۳۴/۰۰
تعهد	زن	۱۳۷	۹۵/۱۹۷۱	۲۴/۴۴۹۱۸	۱۵/۰۰	۱۳۵/۰۰
	مرد	۱۱۳	۱۱۵/۸۶۷۳	۱۱/۵۱۹۰۱	۶۳/۰۰	۱۳۵/۰۰
	کل	۲۵۰	۱۰۴/۵۴۰۰	۲۲/۱۹۰۶۸	۱۵/۰۰	۱۳۵/۰۰
عشق	زن	۱۳۷	۲۸۰/۲۳۳۶	۵۵/۵۴۱۷۵	۴۵/۰۰	۴۰۳/۰۰
	مرد	۱۱۳	۳۱۲/۳۱۸۶	۳۵/۹۴۶۴۵	۱۸۹/۰۰	۳۹۹/۰۰
	کل	۲۵۰	۲۹۴/۷۳۶۰	۵۰/۲۲۰۹۰	۴۵/۰۰	۴۰۳/۰۰

جدول ۵: نتایج ضریب همبستگی برای فرضیه اول

متغیرها	زنان	مردان	کل گروه
صمیمیت - رضایتمندی زناشویی	۰/۱۶۴	۰/۶۴۲**	۰/۲۵۶**
هوس - رضایتمندی زناشویی	۰/۷۲۷**	۰/۶۵۱**	۰/۶۷۰**
تعهد - رضایتمندی زناشویی	۰/۱۷۶*	۰/۵۹۵**	۰/۲۴۸**
عشق - رضایتمندی زناشویی	۰/۴۹۵**	۰/۷۲۱**	۰/۵۳۷**

**= p > ۰/۰۱

* = p > ۰/۰۵

اطلاعات به دست آمده نشان می‌دهد در زنان بین هوس (شور) با رضایتمندی زناشویی بیشترین میزان همبستگی مثبت معنادار ($r = 0/727$) وجود دارد و بین تعهد با رضایتمندی زناشویی کمترین میزان همبستگی مثبت معنادار ($r = 0/176$) وجود دارد. بین تعهد و رضایتمندی زناشویی رابطه معنادار وجود ندارد. در مردان بین هوس (شور) با رضایتمندی زناشویی ($r = 0/651$) و نیز صمیمیت و رضایتمندی زناشویی ($r = 0/642$) بیشترین میزان همبستگی مثبت معنادار وجود دارد و بین تعهد با رضایتمندی زناشویی کمترین میزان همبستگی مثبت معنادار ($r = 0/595$) وجود دارد. به طور کلی، رابطه بین عشق با رضایتمندی زناشویی در مردان ($r = 0/721$) بیشترین از زنان ($r = 0/495$) است. با توجه به رابطه بین اجزاء عشق با رضایتمندی زناشویی، این سؤال زیر مورد بررسی قرار گرفت که سهم اجزاء عشق در پیش‌بینی رضایتمندی زناشویی چقدر است؟

جدول ۶: خلاصه نتایج معنادار مدل رگرسیون برای پیش‌بینی رضایتمندی زناشویی

سطح معناداری	F	R ²	R	درجه آزادی	منبع تغییرات مجموع مربعات	مدل
۰/۰۰۱	۲۰۰/۸۵	۰/۴۴۸	۰/۶۷۰	۱	رگرسیون ۱۶۱۶۰/۱۱۹	گام اول (هوس)
				۲۴۷	باقیمانده ۱۹۸۷۳/۰۲۱	
				۲۴۸	جمع ۳۶۰۳۳/۱۴۱	
۰/۰۰۱	۱۲۸/۶۷۷	۰/۵۱۱	۰/۷۱۵	۲	رگرسیون ۱۸۴۲۲/۹۵۷	گام دوم (هوس، صمیمیت)
				۲۴۷	باقیمانده ۱۷۶۱۰/۱۸۴	
				۲۴۸	جمع ۳۶۰۳۳/۱۴۱	

نتایج نشان می‌دهد در گام اول رگرسیون هوس (شور) به تنهایی ۴۴/۸ درصد واریانس رضایتمندی زناشویی را پیش‌بینی می‌کند و در گام دوم رگرسیون هوس و صمیمیت، مشترکاً ۵۱ درصد واریانس رضایتمندی زناشویی را پیش‌بینی کرده است.

با توجه به معنا دار بودن رابطه بین متغیرهای پیش‌بینی (هوس و صمیمیت) و متغیر ملاک (رضایتمندی زناشویی) نتایج برآورد مدل معناداری در قالب جدول ضرایب رگرسیون در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۷: خلاصه جدول ضرایب رگرسیون برای پیش‌بینی رضایتمندی زناشویی

سطح معناداری	آماره t	Beta	خطای معیار	b	متغیر	مدل
۰/۰۰۱	۲۱/۳۲۵		۲/۳۳۲	۴۹/۷۳۵	ثابت	گام اول
۰/۰۰۱	۱۴/۱۷۲	۰/۶۷۰	۰/۰۲۵	۰/۳۴۸	هوس	
۰/۰۰۱	۸۷۷/۱۱		۳/۱۳۲	۳۷/۲۰۰	ثابت	گام دوم
۰/۰۰۱	۰/۹۸۰	۰/۶۶۸	۰/۰۲۳	۰/۳۴۷	صمیمیت	
۰/۰۰۱	۵/۶۲۲	۰/۲۵۱	۰/۰۲۳	۰/۱۲۹	صمیمیت	

اطلاعات به دست آمده نشان می‌دهد بین متغیرهای پیش‌بینی اجزاء عشق، اجزاء هوس و صمیمیت قادر به پیش‌بینی رضایتمندی زناشویی هستند. آزمون معناداری t درگام دوم رگرسیون برای ضرایب رگرسیون هوس و صمیمیت در سطح کمتر از ۰/۰۰۱ معنادار است. با توجه به ضرایب غیراستاندارد رگرسیون محاسبه شده درگام دوم، هوس (۰/۳۴۷) سهم بیشتری نسبت به صمیمیت (۰/۱۲۹) در پیش‌بینی رضایتمندی زناشویی دارند. هردو ضرایب مثبت هستند که نشانگر رابطه مثبت هوس و صمیمیت با رضایتمندی زناشویی است. با توجه به ضرایب غیراستاندارد رگرسیون، معادله رگرسیون برای پیش‌بینی رضایتمندی زناشویی درگام دوم عبارت است از:

$$\text{رضایتمندی زناشویی} = ۰/۱۲۹ (\text{صمیمیت}) + ۰/۳۴۷ (\text{هوس}) + ۳۷/۲۰ = \text{رضایتمندی زناشویی}$$

فرضیه دوم: سبک‌های عشق‌ورزی بر رضایتمندی زناشویی تاثیر دارند.

جدول ۸: فراوانی و درصد سبک‌های عشق در زنان و مردان

سبک عشق	کل		زن		مرد	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
دوست داشتن	۷	۳/۳	۶	۲/۸	۱۳	۶/۱
شیفتگی	۵۰	۲۳/۶	۷	۳/۳	۵۷	۲۶/۹
عشق بوج	۵	۲/۴	۷	۳/۳	۱۲	۵/۷
عشق رمانتیک	۱۱	۵/۲	۵	۲/۴	۱۶	۷/۵
عشق همدلانه	۳۱	۱۴/۶	۱۶	۷/۵	۴۷	۲۲/۲
عشق احمقانه	۲	۰/۹	۳	۱/۴	۵	۲/۴
عشق کامل	۲۱	۹/۹	۴۱	۱۹/۳	۶۲	۲۹/۲
کل افراد	۱۲۷	۵۹/۹	۸۵	۴۰/۱	۲۱۲	۱۰۰

به منظور بررسی معنادار بودن تفاوت بین میانگین‌های رضایتمندی زناشویی برحسب سبک‌های عشق‌ورزی با توجه به تاثیر متغیر مستقل سبک‌های عشق‌ورزی برنمرات متغیر وابسته رضایتمندی زناشویی از آزمون کروسکال وایس استفاده شد.

متغیر	تعداد	میانگین رتبه‌ها
دوست داشتن	۱۳	۱۲۶/۵۷
شیفتگی	۵۷	۴۷/۶۷
عشق پوچ	۱۲	۱۱۰/۹۳
عشق رمانتیک	۱۵	۷۹/۵۶
عشق همدلانه	۴۷	۱۲۳/۸۰
عشق احمقانه	۵	۱۲۱/۰۱
عشق کامل	۶۲	

با توجه به این که خی دو محاسبه شده ($X^2 = ۳۲/۷۵$, $df = ۶$, $P = ۰/۰۰۱$) در سطح کمتر از ۰/۰۱ معنادار است، بنابراین، سبک‌های عشق ورزی بر رضایتمندی زناشویی تاثیر دارد. مقایسه میانگین رتبه‌های رضایتمندی نشان می‌دهد میانگین رتبه‌های رضایتمندی زناشویی در افراد با سبک‌های شیفتگی، عشق احمقانه، عشق کامل و عشق رمانتیک بیشتر افراد با سبک‌های عشق پوچ، دوست داشتن و عشق همدلانه است.

بحث

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد بین عشق و مؤلفه‌های آن و رضایتمندی زناشویی در گروه زنان و مردان رابطه معنادار وجود دارد و از بین متغیرهای پیش‌بین مؤلفه‌های عشق، اجزاء هوس و صمیمیت قادر به پیش‌بینی رضایت‌مندی زناشویی هستند و این مؤلفه‌ها از ضریب همبستگی بالایی با رضایتمندی زناشویی در زنان و مردان برخوردارند. یافته‌های پژوهش با نتایج پژوهش هتفیلد (۱۹۸۸) که بیان می‌کند اکثر مردم روابطی را ترجیح می‌دهند که در آن ترکیبی از شور و شغف عشق هوس‌آلود با پختگی عشق همدلانه وجود داشته باشد، دریک راستا است همچنین، وی اظهار می‌کند عشق هوس‌آلود و عشق همدلانه عشقی را پدید می‌آورد که ازدواج و نظام خانوادگی را استحکام می‌بخشد.

مورد^۱ و دیگران (۱۹۹۵) دریک پژوهش بر روی دانشجویان زن و مرد به این نتیجه رسیدند که مرتبط‌ترین موارد در خصوص وجود رضایت از رابطه نمرات عشق اروس و آگاهیه است. این مسئله در واقع عنوان می‌کند که از یک طرف صمیمیت دوستانه و بخشش غیر خودخواهانه پرکشش‌ترین موضوع دریک رابطه است و از طرفی دیگر هوس و آرمان‌سازی احتمال دارد رضایت از رابطه را به دنبال داشته باشد که این نتایج از یافته‌های پژوهش حمایت می‌کند. در این راستا کارتر^۲ (۲۰۰۲) بر اساس مطالعات خود نشان می‌دهد که نخستین عشقی که زوجین تجربه می-

کنند، عشق «اروس» است و این نوع عشق بر مبنای هوس، صمیمیت و نزدیکی فیزیکی است.

نتایج این پژوهش در ارتباط با تاثیر سبک‌های عشق‌ورزی بر رضایتمندی زناشویی نشان داد سبک‌های عشق-ورزی بر رضایتمندی ارتباطی افراد تأثیر دارد و میانگین رضایتمندی زناشویی افراد با سبک‌های عشق، عشق احمقانه، عشق کامل و عشق رمانتیک بیشتر از افراد با سبک‌های عشق پوچ، دوست داشتن و عشق همدلانه است. اهمیت هر کدام از مؤلفه‌های سه گانه عشق در طول زمان مشخص می‌شود، به این ترتیب که در حالت کوتاه مدت و به ویژه عاشقانه، مؤلفه هوس نقش بزرگی را ایفا می‌کند، مؤلفه صمیمیت ممکن است نقش متوسطی داشته باشد و مؤلفه تصمیم/تعهد نیز ممکن است بندرت نقش داشته باشد. در مقابل مؤلفه‌های صمیمیت و تعهد نوعاً نقش مهمی در روابط بلندمدت ایفا می‌کنند و در واقع تایید چنین رابطه‌ای بدون دارا بودن مقداری تعهد مشکل است (هتفیلد، تراپمن و اسپرچر^۱، ۱۹۸۴).

آکرودیویس^۲ (۱۹۹۲)، با استفاده از الگوی سه وجهی استرنبرگ از عشق (صمیمیت، هوس، تعهد) مطالعه‌ای را انجام دادند. نتیجه نشان داد هوس با گذشت زمان کاهش یافته و جای خود را به تعهد عمیق و درازمدت می‌دهد و عشق در طول زمان تغییر یافته و خاصیت همدلانه به خود می‌گیرد و در روابط درازمدت تأثیرات عشق رمانتیک و شیفتگی متفاوت است.

با توجه به مطالب ذکر شده و با در نظر گرفتن این مساله که میانگین طول مدت ازدواج در این پژوهش ۵/۳۱ سال است و در نتیجه از نوع کوتاه مدت می‌باشد، طبیعتاً عشق‌های شهوانی یا به عبارتی عشق‌هایی که به میزان زیادی از مؤلفه هوس برخوردارند رضایتمندی زناشویی را پیش‌بینی کرده‌اند.

این یافته‌ها با نتایج پژوهش ماسیودا^۳ (۲۰۰۳) همخوانی دارد. وی در مطالعه‌ای بر روی دو گروه از ازدواج‌های کوتاه مدت و بلندمدت اظهار کرد همبستگی‌های بین عشق رمانتیک و رضایتمندی زناشویی در هر دو دسته گروه کوتاه مدت و بلندمدت یکسان بود. عشق همدلانه با رضایتمندی همبستگی متوسطی داشت (کمتر از همبستگی عشق رمانتیک و رضایتمندی) و همبستگی آن در روابط بلندمدت بیشتر از کوتاه مدت بود. از طرف دیگر همبستگی‌های عشق شهوانی در گروه‌های کوتاه مدت بالاتر به دست آمد. عشق مانیا (شیفتگی) هم با رضایتمندی در روابط کوتاه مدت همبستگی مثبت و با رضایتمندی در روابط بلندمدت همبستگی منفی نشان داد. همبستگی قوی بین عشق رمانتیک و رضایتمندی در روابط کوتاه مدت و بلندمدت، اهمیت آن را در مراحل شکل‌گیری و حفظ رابطه زناشویی می‌رساند. همبستگی متوسط عشق همدلانه با رضایتمندی در روابط کوتاه مدت و بیشتر از آن در روابط بلندمدت دلالت بر ارتباط دوستانه و دل‌بستگی با موفقیت در روابط بلندمدت دارد. نتایج عشق شهوانی (همبستگی بالاتر با روابط کوتاه مدت) نیز نشان می‌دهد این نوع عشق بیشتر با رضایتمندی در مراحل ابتدایی برقراری رابطه همبستگی دارد.

در نهایت، از آنجایی که نمونه پژوهشی از میان دانشجویان دانشکده‌های واحد تهران مرکزی انتخاب شده است، بنابراین، یافته‌های این پژوهش را در بهترین حالت تنها می‌توان برای همین جامعه تعمیم داد.

نوع ازدواج زوجین (سستی و غیرسستی) در این پژوهش در نظر گرفته نشد و این مسئله می‌تواند روی نتایج و روابط

Archive of SID

حاصل موثر بوده و تفسیر نتایج را دشوار سازد.

اجرای هم زمان دو پرسش نامه، پژوهش را با مانع عدم پاسخگویی یا پاسخگویی ناکامل آزمودنی‌ها روبرو می-

Archive of SID

کرد.

پیشنهاد می‌شود بررسی رابط سبک عشق‌ورزی با متغیرهای دیگری مثل (سبک‌های دلبستگی، سبک‌های تفکر، هوش هیجانی و...) که با رضایتمندی زناشویی رابطه دارند در پژوهش‌های بعدی انجام گیرد.

در این پژوهش میانگین طول مدت ازدواج ۵/۳۱ سال بود؛ پژوهش‌های مختلف طول مدت ازدواج را بسیار مهم معرفی کرده‌اند. لذا پیشنهاد می‌شود روابط سبک‌های عشق‌ورزی با رضایتمندی زناشویی در ازدواج‌های درازمدت

بررسی شوند.
www.SID.ir

از آنجایی که عشق در فرهنگها و خرده فرهنگ‌های مختلف معانی متفاوتی دارد؛ پیشنهاد می‌شود سبک‌های عشق-

ورزی در مناطق مختلف کشور بررسی و مورد مقایسه قرار گیرند.

- افروز، غلامعلی (۱۳۷۸). روان‌شناسی خانواده همسران برتر. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- استرنبرگ، رابرت جی (۱۳۸۲). - قصه عشق نگرشی تازه به روابط زن و مرد. ترجمه: علی اصغر بهرامی. چاپ اول. تهران: انتشارات جوانه رشد.
- آیزنگ، مایکل (۱۳۷۵). روان‌شناسی شادی. ترجمه: مهرداد فیروزبخت، خشایاربیگی. چاپ اول. تهران: انتشارات بدر.
- بوسکالیا، لئو (۱۳۷۲). زاده برای عشق، ترجمه: هوشیارانصاری فر. چاپ دوم. تهران: انتشارات البرز.
- پاتو، مژگان (۱۳۸۱). رابطه خودپنداره و نگرش‌های مربوط به عشق، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی.
- پورافکاری، نصرت‌ا... (۱۳۷۶). فرهنگ جامع روان‌شناسی - روان پزشکی انگلیسی فارسی، جلد ۱ و ۲. چاپ دوم. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- پروینیان، پرنیاز (۱۳۸۳). بررسی رابطه بین ارضاء جنسی با رضایت زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن.
- حافظی طرقله، فیروزآبادی و حق‌شناس (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین سبک‌های عشق‌ورزی و رضایتمندی زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.
- شعبان‌زاده، افسانه و خواجه‌پور، پانت آ (۱۳۸۶). رابطه بین میزان عشق و رضایت زناشویی در زنان و مردان متأهل شهر تهران. پایان نامه کارشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- هترینگتون، ای. میویس و پارک، ارس ری (۱۳۷۳). روانشناسی کودک از دیدگاه معاصر، ترجمه جواد طهوریان و دیگران. جلد دوم. آستان قدس رضوی.

- Acker, M. , Davis , M. (1992). Intimacy , passion , and Commitment in adult romantic relationships: A test of the triangular theory of love. Journal of Social and personal Relationships, 9,21-50
- Aron,A, & Henkemeyer, L. (1995). Marital Satisfaction and passionate love. Journal of Social and personal Relationships, 12,139-146
- Brown, N.M. & Amatea, E.S (2000). Love and intimate relationships , Journeys of the heart. Philadelphia: Taylor & Francis
- Beach, S.R.,& O'leary, K.D. (1993). Marital discord and dysphoria: For whom does this marital relationship predict Depressive symptomatology? Journal of social and Personal Relationships, 10,405-420
- Corcoran, M.Duncan, G.j.,& Hill, M.S (1988). The economic fortunes of Women and children: Lessons from the Panel Study of Income Dynamics. Signs, 10,232-248.
- Coan, J.A., Schaefer, H.S.,& Davidson, R. (2006). Lending a hand: Social regulation of the neural response to threat. Psychological Science, 17, 1032 – 1039.
- Dwyer, D.(2000). Interpersonal relationships, London: Roothledge.

- Diener, E., & Lucas, R. (2000). Subjective emotional well-being. In M. Lewis & J.M. Haviland – Jones (Eds.), *Handbook of emotions* (2nd ed). New York: The Guilford Press.
- Drigotas, S.M., Rusbult, C.E., Wieselquist, J., & Whitton, S. (1999). Close partner as the Sculptor of the ideal Self: Behavioral affirmation and the Michaelangelo phenomenon. *Journal of personality and Social Psychology*, 77, 293-323.
- Duncan, G.J., & Hoffman, S.D. (1985). Economic Consequences of marital instability. In M. David & T. Smeeding (Eds.), *Horizontal equity, uncertainty and economic well-being*. Chicago: University of Chicago press.
- Dornbusch, S.M. (1989). The Sociology of adolescence. *Annual Review of Sociology*, 15, 233-259.
- Doherty, W., Su, S., & Needle, R. (1989). Marital disruption and psychological well-being: A panel Study. *Journal of family Issues*, 10, 72-85.
- Furstenberg, F.F. (1990). Divorce and the American family. *Annual Review of Sociology*, 16, 379-403.
- Glenn, N.D., & Weaver, C.N. (1981). The contribution of marital happiness to global happiness. *Journal of marriage & the Family*, 43, 161-168.
- Hatfield, E., Traupmann, J., & Sprecher, S. (1981). Older women's perceptions of their intimate relationships. *Journal of Social and clinical psychology*, 2, 108-124.
- Hetherington, E.M. (1987)- family relations six years after divorce. In K. psley & M. Ihinger-Tallman (Eds.). *Remarriage and stepparenting today: Current research and theory* (pp. 185-205). New York: Guilford.
- Huston, T.L., Houts, R.M., Caughlin, J.P., Smith, S.E., & George, L.J. (2001). The connubial crucible: Newlywed years as predictors of marital delight, Distress, and divorce. *Journal of personality and Social psychology*, 80, 237-252.
- Kim, J., & Hatfield, E. (2004). Love types and subjective well-being: A cross cultural Study. *Social Behavior and personality*, 32, 173-182.
- Kitson, G.C., & Morgan, L.A. (1990). The multiple Consequences of divorce: A decade review. *Journal of Marriage and the family*, 52, 912-924.
- Lee, J.A. (1988). Love – Styles, In R.J. Sternberg & M.L. Barnes (Eds), *The Psychology of Love* (pp. 38- 67). New Haven, CT: Yale University press.
- Masuda, M. (2003). Meta-analyses of Love Scales: Do Various Love Scales measure the Same Psychology Constructs? *Japanese psychological Research*, 45, 25-37.
- Montgomery, M.J., & Sorell, G.T. (1997). Differences in Love attributes across family life stages. *Family Relations*, 46, 55-61.
- Riehl- Emde, A., Thomas, V., & Willi, J. (2003). Love: an important dimension in marital research and therapy. *Family process*, 42, 253-267.
- Sternberg, R. (1998). *Love is a Story – A new theory of relationships*, Oxford university press.
- Traupmann, J. Eckels, E., & Hatfield, E. Intimacy in older women's Lives. *The Gerontologist*, 22, 493-498, 1982.